

گام نهادن بر شیب تند

(گفتارهایی درباره ادبیات داستانی دفاع مقدس)

تألیف
محمد
امدساکی



خانه کتاب

دی ماه ۱۳۹۱

سرشناسه: شاکری، احمد، ۱۳۵۳

عنوان و نام پدیدآور: گام نهادن بر شیب تند: گفتارهایی درباره ادبیات داستانی دفاع مقدس / احمد شاکری.

مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.

فروست: خانه کتاب؛ ۳۲۲. شابک: ۶-۰۷۷-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: گفتارهایی در ادبیات داستانی دفاع مقدس.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- ادبیات و جنگ - تاریخ و نقد

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- داستان - تاریخ و نقد

موضوع: جنگ و ادبیات - ایران - تاریخ و نقد

رده‌بندی کنگ: ۱۳۹۱ ش ج / PIR ۳۴۴۲

رده‌بندی دیو: ۸۵۰ / ۸۳۵۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۹۱۴۴۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

۳



خانه کتاب

۳۲۲

عنوان کتاب: گام نهادن بر شیب تند

(گفتارهایی درباره ادبیات داستانی دفاع مقدس)

تألیف: احمد شاکری

طراح جلد: محمد جهانی مقدم

ناشر: خانه کتاب

نوبت چاپ: اول - دی ماه ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

شابک: ۶-۰۷۷-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ سروش

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و صبای جنوبی، شماره ۱۰۸۰

خانه کتاب، کدپستی: ۱۳۱۷۵

تلفن بخش توزیع: ۸۸۳۴۲۹۸۵، دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰

سخن نخست

رخته‌شناسی معرفتی از مقوله‌های بسیار ارزشمند و ضروری در ساحت اندیشه‌ورزی است که در فرهنگ ایرانی و جهان اسلام از آن با عنوان نقد یاد می‌شود و منتقد نه عیب‌جو بلکه طبع دواری است که به انگیزه دانش‌دوستی و کمال‌جویی معرفتی در کنار و همراه با نویسنده دالان‌های پُریچ و خم اندیشه و خرد را طی می‌کند، موانع و کاستی‌ها را می‌شناساند و راه‌های جدید را فراوری او می‌گشاید، و طبیعی است که یکی از لوازم جدایی‌ناپذیری که منتقد را به هدف متعالی رهنمون می‌سازد - جدای از احاطه به موضوع نقد، و به کارگیری روش مناسب - بهره‌برداری از ادبیات مناسب با نقد است تا کاشف از حسن غایی باشد و مخاطب و نویسنده را با خوش‌مدل و همراه سازد و به حسن فاعلی بیانجامد. اما متأسفانه در جامعه کنونی، آسیب‌شناسی نقد و نقد نقد، آشکارا به اثبات می‌رساند که یکی از موانع مهم نقدپذیری فعالان حوزه فرهنگ مکتوب، عدم پایبندی به اخلاق و ادبیات فاخر نقد است. مؤسسه خانه کتاب در دهه اخیر در حد بضاعت اندک خویش کوشیده تا بسترهای مناسب نقد را مهیا سازد. در این راستا دبیرخانه جشنواره نقد کتاب که نهمین سال از عمر پربار خویش را پیش‌رو دارد با همکاری گروهی از نویسندگان، صاحب‌نظران و منتقدان، حرکتی ارزشمند در حوزه مبانی نظری نقد، اخلاق نقد و آموزش عملی را نقد آغاز کرده است.

آنچه پیش روی شما خواننده گرامی قرار دارد، شماری از مقالات، یادداشت‌ها، گفت‌وگوها و نقدهای جناب آقای احمد شاکری در حوزه ادبیات دفاع مقدس است که می‌تواند برای نسل جوان نویسندگان حوزه ادبیات داستانی مفید و آموزنده باشد.

در پایان جا دارد از جناب آقای شجاعی، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب، نویسنده محترم جناب آقای احمد شاکری، سرکار خانم مژگان حقانی که پی‌گیر سامان‌دهی اثر بودند و همکاران پرتلاش واحد انتشارات تقدیر نمایم.

علی اوجبی

۹۱/۱۰/۲

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه‌ای بر هندسه معرفتی ادبیات داستانی انقلاب	۱۵

مقاله

- جنگ ادبیات بر سر ادبیات جنگ	۳۹
- سایه «جنگ»، بر سر «دفاع مقدس»	۶۱
- نقش اصول موضوعه در پژوهش‌های ادبیات داستانی دفاع مقدس	۱۰۳
- هنجارشکنی جنگ و دفاع از منظر داستان	۱۲۱
- کلیات پژوهش جنگ از منظر دفاع	۱۲۳
- چپستی و چرایی ادبیات جنگ و دفاع مقدس	۱۶۷

یادداشت

- منتقدان روشنفکر ادبیات متعهد بعد از انقلاب را هیچ می‌انگارند	۱۸۱
- ادبیات دفاع مقدس و معضل مواجهه ساده‌اندیشانه با آن	۱۸۹
- ادبیات داستانی روشنفکری همواره وابسته و غیرخلاق بوده است	۱۹۵
- چالش در یک مواجهه ساختاری	۲۰۱
- روایتی برای نمایش عقل	۲۰۷
- انحرافی بزرگ در ادبیات دفاع مقدس	۲۱۳

گفت‌وگوها

- ادبیات سیاه در جهان‌بینی خود مبتلا به کوری است	۲۲۷
--	-----

- ادبیات ضد جنگ در غفلت نقد فعالانه شکل گرفت ۲۳۳
- غفلت همچنان معضل اصلی ماست ۲۳۹
- گام نهادن بر شیب تند ۲۵۱
- تکرار آثار نسل اول نویسندگان باعث واپس گرایی ادبیات بعد از انقلاب شد ۲۶۳
- «ادبیات دفاع مقدس» نگرش‌های شیعی و آرمان‌های اسلامی را در
خود مستتر دارد ۲۷۳

نقد

- حکایت مردی که از خاطره‌ها پیشی گرفت (نقدی بر بابانظر) ۳۱۱
- چهارمکاری آفتاب بر آب (نقدی بر درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی
انقلاب اسلامی) ۳۲۳
- مراسم فاتحه‌خوانی برای یک داستان (نقدی بر ویزای بهشت) ۳۳۷
- من قاتل اندیشه‌تان هستم (نقدی بر من قاتل پسران هستم) ۳۴۲

پیش‌گفتار

پانزده سال قبل، که اولین داستان‌های کوتاه از این قلم منتشر شد، به موضوع دفاع مقدس پرداخته بود. بعدها اولین و دومین مجموعه داستان و اولین رمان این قلم نیز به همین موضوع اختصاص یافت. گرچه، عوامل متعددی در انتخاب موضوع یک داستان توسط نویسنده مؤثرند و قطعاً برای من، شروع کار در «دفتر ادبیات ایثار» که به بنیاد جانبازان تعلق داشت، در شکل‌گیری چنین فضایی مؤثر بود. اما شرایطی که بر ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در دهه هفتاد و پس از قبول قطعنامه حاکم بود، کاملاً تحت سیطره دفاع مقدس قرار داشت. ادبیات دفاع مقدس گرچه در طول سالهای دفاع مقدس و دو دهه پس از آن، توسط طیف شبه روشنفکر به حمایت دولتی و سفارشی‌نویسی متهم شده است، اما حقیقت آن است که این گونه ادبی برخاسته از بطن انقلاب، پناهگاه جویندگان ادبیات داستانی انقلاب اسلامی بود. نه تنها نویسندگان، که حتی سیاست‌گذاران فرهنگی و ادبی نیز در این مقطع به گشایشی در ادبیات داستانی، توسط دفاع مقدس و شخصیت‌های آن دل بسته بودند.

دفاع مقدس، بی‌نظیرترین تجربه ملی و معنوی و طولانی‌ترین مقاومت همه جانبه را در طول تاریخ چند سده اخیر را رقم زده بود. معادلات جهانی و پیش‌بینی‌های معمول را بر هم زده بود و به بسیاری از آمانهای انقلاب تحقق بخشیده بود. اگر نبود تمامی این جنبه‌هایی که از این واقعه نمونه‌ای منحصر به فرد در تاریخ جهان می‌سازد، نفس جنگی هشت ساله در برابر قدرتهای متحد جهانی، ادبیات و هنر هر کشوری را متحول می‌ساخت. بنابراین، همانطور که دفاع

مقدس و شخصیت‌های آن به زیر بار انقلاب رفتند، در طول چند دهه بار ادبیات داستانی را نیز تحمل کردند. این آنها نبودند که خود را بر ادبیات تحمیل کردند، بلکه ادبیات داستانی بود که برای نجات از صورت بزرگ کرده پیش از انقلاب و جبهه توخالی‌اش، به دفاع مقدس و شخصیت‌های آن پناه برد. از این‌رو، هیچ نویسنده‌ای در طول تاریخ ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، از دفاع مقدس بابت اثری که نوشته طلبکار نخواهد بود. بلکه دفاع مقدس و شخصیت‌های آن تا همیشه منبع و چشمه فیاضی برای هنر انقلابی و غنی بوده و خواهند بود.

با این وجود، ادبیات داستانی و جریان غیر همسوی با انقلاب که بنیانهای ترجمه منابع و واردات فکری را در طی چند دهه به دست داشت، پس از ناکامی از بایکوت ادبیات داستانی دفاع مقدس، تلاش کرد این چشمه صاف را با تئوری‌های منافر با ماهیت دینی دفاع مقدس گل‌آلود کند. ادبیات دفاع مقدس که در دهه آغازین خود به مکتبی بودن می‌بالید، اندک اندک در دهه‌های بعد مجرای تردید و شکاکیت شد و لایبالی‌گری فکری و عملی، بر جای ایمان و یقین و تعبد نشست.

وجود چنین جریانی در نزد اهالی ادبیات داستانی پوشیده نیست. گرچه ابعاد آن تنها برای اهالی اندیشه آشکار است. زمانی که این قلم از سه سال گذشته به نحو ممحض به حوزه پژوهش در داستان دفاع مقدس وارد شد، تصویری اجمالی از این جریان داشت. اما برای هر پژوهشگر منصفی که واقعیت دفاع مقدس و آثار مربوط به آن را خوانده باشد و ضرورت بازتعریف مفاهیم حوزه داستان و تأسیس بنیانهای فکری این حوزه را در سر پرورانده باشد، مواجهه با آثار پژوهشی کم‌شمار در این گونه ادبی دردناک خواهد بود. حقیقت آن است که جریان شبه روشنفکر در طول دوران حیات خود، وامدار تولیدات فکری غرب بوده است. اما ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، که زاینده انقلابی اسلامی و شیعی است در بسیاری از مبادی و مناشی تئوری ادبیات،

نیازمند تاسیس مبنا و تعریف اصول است. ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، به ضرورت تولید و ثبت برهه‌های تاریخ ساز پس از انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز بر تولید اثر خلاقه تأکید ورزیده است و از سویه دیگر جهان داستان غفلت کرده است. نقد ادبی برای کالبد ادبیات داستانی حکم تصفیه خانه را دارد. ادبیات داستانی حتی با آثار پرشمار و ارزشمند، بدون برخورداری از این رکن، محکوم به انحراف یا سقوط و رکود است. اثر ادبی در خلأ شکل نگرفته، خواننده و تفسیر نمی‌شود. این نقد ادبی است که چنین زمینه‌ای را برای ادبیات داستانی فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، اکتفا به تعاریف ظاهری عموماً ترجمه‌ای از عناصر داستان و غربت طرح مباحث مبنایی ادبیات داستانی در طول این سه دهه، بر ادبیات داستانی انقلاب تأثیر گذارده است. ادبیات داستانی دفاع مقدس به عنوان پیشروترین گونه ادبی پس از انقلاب اسلامی ایران در مواجهه با امواج سهمگین تنوری‌های اومانیستی و ساختارهای جهت مند ادبی و رویکردهای غیر ریویزی نقد ادبی، لطمه‌های فراوانی را متحمل شد. تا جایی که ادبیات دفاع مقدس در دهه هفتاد و هشتاد نه توسط نویسندگان غرب زده و شبه روشنفکر نسل گذشته که توسط نویسندگانی تهدید می‌شد که خود از میان دود خاکستر دفاع مقدس برخاسته بودند و اکنون رویکرد سیاه دفاع مقدس را در آثارشان پیش می‌بردند.

چنین شرایطی و فقدان کتابهای تنوریک مدون در زمینه ادبیات داستانی دفاع مقدس و کمبود منابع علمی، نگارنده را بر آن داشت تا دغدغه اصلی خود را بر پژوهش در مبانی و مبادی نظری این گونه داستانی متمرکز سازد. نتیجه این تحقیق منجر به نگارش دفتر اول «جستاری در ادبیات داستانی دفاع مقدس» با موضوع «اصطلاح‌شناسی ادبیات داستانی دفاع مقدس»^۱ شد.

۱. این کتاب زیر نظر گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به انجام رسیده و توسط انتشارات پژوهشگاه به چاپ خواهد رسید.

همچنین در نظر است دفتر دوم این پژوهش به موضوع "انسان شناسی ادبیات داستانی دفاع مقدس" اختصاص یابد.

اثر پیش‌رو، گزیده‌ای از مجموعه گفتارهایی است که در موضوع ادبیات داستانی دفاع مقدس توسط این قلم در طی قریب به ده سال به نگارش در آمده است. تجميع این مطالب که در چهار قالب تقریر شده اند، پاسخ‌گوی مهم‌ترین دغدغه‌های این قلم در طول این سالها بوده است. در جریان پژوهش دو ساله خود با موضوع اصطلاح‌شناسی ادبیات داستانی دفاع مقدس با دو سه دسته از منابع مواجه شدم که هیچ کدام در نوع خود کامل نبود. دسته اول کتابهایی هستند که آراء برخی نویسندگان را درباره مسائل حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس در ضمن مجموعه گفتگوها و اقتراحها جمع‌آوری کرده اند. گرچه این دسته کتابها منابع قابل استفاده‌ای برای پژوهشگر این حوزه در مقایسه آراء و نظرات به حساب می‌آیند. اما ساختار غیر پژوهشی و پراکندگی مسائل و ضعف استدلالی این کتابها آنها را در سطح نگاه داشته است. فارغ از اینکه قالب گفتگو با رعایت شرایط مصاحبه‌ای فنی و با انتخاب درست شخص پرسش شونده می‌تواند در جای خود قابل استفاده باشد. دسته دیگر کتابها، مجموعه مقالاتی هستند که از نویسندگان مختلف جمع‌آوری شده اند. مقالات مربوط به سمینارها و همایشهای ادبیات دفاع مقدس اختصاصی به مقوله داستان نداشته و غالباً بیشتر حجم مقالات این منابع مربوط به شعر است. مقالات مرتبط با ادبیات داستانی نیز عموماً به مسائل بنیادی پرداخته و گاه به کلی‌گویی مبادرت ورزیده‌اند. دسته سوم کتابهای نقد داستان است. مجموعه نقدهای منتشر شده درباره آثار داستانی دفاع مقدس به فراخور موضوع، به طرح مباحث نظری و تبیین مبانی خود پرداخته‌اند. اما غلبه نقد بر مباحث نظری و اکتفا به تعاریف رایج، موجب شده است عموماً نقدها سطحی بوده برای محقق این حوزه چندان قابل استفاده نباشند.

در بخش اشاره این کتاب به مقوله "هندسه معرفتی ادبیات داستانی انقلاب" توجه شده است. این موضوع از جمله مهم‌ترین سرفصلهای لازم در حوزه داستان است. زیرا شناسایی هر موضوع پژوهشی، فرع بر شناسایی مسئله، موضوع علم مورد نظر و اتخاذ روش پژوهشی متناسب با آن است. پژوهشهای صورت گرفته در این حوزه، در طول عمر ادبیات داستانی دفاع مقدس مواجهه‌ای موضعی با مقوله گسترده معرفتی حوزه داستان داشته‌اند. در حالی که تصور کلیت مقولات معرفتی در این حوزه می‌تواند در طرح دقیق مسائل علمی و حرکت به سمت معرفت مضاف مؤثر باشد.

در بخش مقالات، از دو مقاله متخذ از پژوهش جستاری در ادبیات داستانی دفاع مقدس که پیش از آن در مجلات به چاپ رسیده است استفاده شده است. در بخش گفتگو، تلاش شد تا کمترین دخل و تصرف در تنظیم نهایی صورت گرفته توسط خبرنگار مربوطه اعمال شود و حتی المقدور تغییری در صورت گفتگو وارد نشود. این امر بخصوص در گفتگوهای شفاهی بیشتر مورد نظر بوده است. در بخش نقد، نقد دو مجموعه داستان آمده است. این دو کتاب به لحاظ رویکرد به دفاع مقدس تقریباً در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. نقد مجموعه داستان "من قاتل پسران هستم" که در دهه هشتاد در ماهنامه ادبیات داستانی به چاپ رسید از جمله پرهزینه‌ترین نقدهای نگاشته بوده است. این نقد در همان دوران توسط برخی مدیران حوزه هنری نامناسب تشخیص داده شد و ماهنامه ادبیات داستانی را تا پای استعفا، شواری سردبیری پیش برد. در پایان لازم است از همراهی خانه کتاب و بخصوص جناب آقای ارسنجی که همدلانه، زمینه نشر این گفتارها را فراهم آوردند تشکر نمایم. بیش از همه، خود را وامدار و مدیون ارواح طیبه‌ای می‌دانم که دفاع مقدس از آنها تقدس یافت.

احمد شاکری

۹۱/۷/۲۸

مقدمه‌ای بر هندسه معرفتی ادبیات داستانی انقلاب

کلید واژگان:

هندسه: دستگاه کلی انتزاعی سازمند علمی مسئله محور پژوهش بنیاد.

معرفت:

این مفهوم بیانگر هویت این دستگاه فکری است. در این دستگاه "ادبیات داستانی" به عنوان مقوله ای معرفتی مورد توجه قرار می‌گیرد. حوزه‌های شناختی این مقوله، گستره شناخت، مبادی شناخت، مراتب شناخت، مقاصد شناخت، مناشی شناخت مورد نظر است. غایت این معرفت، دستیابی به "نظریه ادبی ادبیات داستانی انقلاب" است.

ادبیات داستانی:

گستره جامعی از مسائلی که روایت داستانی به صورت مستقل یا مضاف در آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هندسه معرفتی، ادبیات داستانی را به عنوان کلیتی حیاتمند بررسی می‌کند. از این رو، لوازم حیات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن، مورد توجه است.

انقلاب اسلامی:

ظرف معنوی ظهور و تحقق روایت داستانی. انقلاب اسلامی از این جهت که مبدأ زمانی مشخصی را برای حیات روایت داستانی تعیین می‌کند، ظرف زمانی روایت داستانی است. و از آن جهت که وصف مضمونی روایت داستانی فرار می‌گیرد توضیح دهنده ماهیت و غایت آن است.

تعریف:

«هنرشناس معرفتی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی» عبارت است از دستگاه معرفتی سازمان‌دهی که مجموعه معارف ادبیات داستانی را به عنوان مقوله‌ای ادبی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پشتیبانی می‌کند.

ضرورت موضوع:

ادبیات داستانی انقلاب اسلامی به واسطه ماهیت، غایت و ابزارهای خاص خود، از ادبیات غرب تمایز پیدا می‌کند. از این رو، گرچه در طی چند سده، نظام معرفتی ادبیات داستانی غرب در ساخت ادبیات داستانی به صورت فی-نفسه یا به صورت مضاف و غیره، ترسیم شده است. اما این نظام نه مشتمل بر تمامی ساخت‌های ادبیات داستانی انقلاب است و نه برخی مقومات ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در آن لحاظ شده است. ادبیات اوستایی غرب، بر پایه دیدگاه سکولار بنا شده است و مجموعه تجربیات وحیانی و تشریفاتی را از ساخت داستان بیرون کرده است. این در حالی است که ادبیات داستانی انقلاب به واسطه ماهیت دینی‌اش اساساً شأن استقلالی برای خود قائل نیست و نظام روایی‌اش مخاطب را به مبدا وحی ارجاع می‌دهد.

این امر به صورت فی الجمله مورد اذعان ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی است. ادبیات داستانی در طول سه دهه اخیر در پافشاری بر تمایز

خویش با دیگر گونه‌ها و مکاتب ادبی، بیش از هر چیز بر نفس واقع و بن مایه‌های فکری آن تاکید داشته است. اما تحقیقات ادبی صورت گرفته در حوزه ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی - با فراوانی گونه‌های ذیل آن - همچنان نظام لازم را نیافته است. نظامی که در قالب شناسایی مجهولات این حوزه، تصویری از وضعیت موجود ارائه دهد، پیش‌بینی‌ای درباره آینده ادبیات داستانی و راههای برون رفت از وضعیت موجود پیشنهاد کند و مبادی معرفتی اسلامی این حوزه را تأمین نماید. غالب تحقیقات صورت گرفته در این حوزه دچار کلی‌گویی، تکرار، عدم نظام‌مندی و خطای در مبانی و مبادی‌اند.

از این رو، پس از گذشت سه دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و رونق یافتن برخی گونه‌های ادبی و آفرینش آثار متعدد در این حوزه، لازم است نقشه کلی ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی طراحی شود. این نقشه، گویای کلیات معرفتی ادبیات داستانی است. شاخصه‌های هندسه معرفتی ادبیات داستانی از این قرار است:

- ویژگی درخت وارگی: سازوکار درخت‌واره هندسه معرفتی ترسیمی از موضوعات کلان معرفتی و نحوه انقسام آنها به موضوعات جزئی‌تر ارائه می‌کند و نحوه انشقاق و پیوست مسائل جزئی را به بدنه اصلی معرفتی معرفتی می‌نماید.

- رویکرد هندسه معرفتی، معرفت متعلق به حوزه روایت است. از این رو، بخشهایی از حوزه ادبیات داستانی که در بر گیرنده خلاقیت است نیز در ذیل معرفت به خلاقیت مورد تأمل قرار می‌گیرد.

- در هندسه معرفتی، مسائل جزئی ادبیات داستانی در ذیل موضوعات کلی و آنها نیز در ذیل محورهایی چند قرار خواهند گرفت. از این رو، نوع بندی مسائل این حوزه ممکن می‌شود. در پی نوع‌بندی مسائل، روش‌شناسی حل آنها، موضوعات مشترک و ساحت‌های مطالعاتی مشخص تعیین می‌گردد.

- هندسه معرفتی به عنوان نقشه ای موسع از حوزه ادبیات داستانی، برای حوزه ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی تعریف می‌شود. این بدان معنی است که پیوندهای بومی و نظری در محور یابی و مسئله یابی آن با مبانی دینی و انقلابی ترسیم می‌شود. انقلاب اسلامی در این تقریر، ظرف ظهور و تحقق ادبیات محسوب می‌شود اما ادبیات داستانی به واسطه عناصر مبنایی و برخی منوماتش در تاریخ موسع‌تری وجود داشته است.

- در هندسه معرفتی، تمامی مسائل حوزه ادبیات - هر آنچه در این زمینه استقراء می‌شود - در ذیل محورهای مورد نظر قرار می‌گیرد. ویژگی هندسه معرفتی شمول و جامعیتش در گستره متعلق آن است. از این رو، مبنایی، مبادی و لوازم متعلق را در بر می‌گیرد.

- ترسیم هندسه معرفتی در حوزه ادبیات داستانی این امکان را در اختیار محققین این حوزه قرار می‌دهد تا پیش از مسئله شناسی، مجموعه مسائل این حوزه را تصور کرده، معلومات و سببوبات این حوزه را بر اساس پژوهشهای انجام شده لحاظ کنند. هندسه معرفتی به لحاظ روشی، مقدم و به لحاظ وجودی، موخر از مسائل است. هندسه معرفتی شأنی کلی نگار دارد که با روشی عقلانی، مبتنی بر استقراء کلیات، موضوعات را از ضمن مسائل جزئی استخراج می‌کند. بنابر این پژوهش درباره هر سؤال، مبتنی بر تعیین جایگاه دقیق آن در هندسه معرفتی است.

- هندسه معرفتی در نظام درختواره اش، این امکان را به محقق می‌دهد تا مسائل متنوع این حوزه را در ذیل عناوین کلی دسته‌بندی کند و نقاط اشتراک مسائل را که مربوط به موضوع آنهاست کشف نماید.

- مسائل در صورت درختواره هندسه معرفتی ترتیب بندی، دسته و گونه‌بندی و سپس اولویت بندی خواهند شد. اولویت، به معنای تقدم تصویری

و معرفتی برخی - به نحوی که برخی مبنای دیگری باشند - مسائل بر برخی دیگر است.

- محور انقسام فروع از اصول در درختواره ترتب علمی و نه ضرورت‌های عملی و کاربردی است.

- تقسیم تقسیم، مبادی مضاف ادبیات داستانی انقلاب است.

حوزه‌های معرفتی در ساحت داستان:

- معرفت به ساحت ذهن
- معرفت به واقعیات
- معرفت به روایت از واقعیت
- معرفت به روایت
- معرفت به واقعیت روایت (روایت به عنوان جزیی از واقعیت)
- معرفت به معرفت

مراحل صورت‌بندی هندسه معرفتی ادبیات داستانی: انقلاب اسلامی

در هندسه معرفتی، معرفت به معرفت، مد نظر قرار گرفته است. زیرا پرسش از هر معرفتی در حوزه ادبیات داستانی، نیازمند تعیین جایگاه آن پرسش در نظام معرفتی حوزه ادبیات داستانی است. نظام معرفتی مشتمل بر ساحت‌هایی است که از ادبیات داستانی در آن پرسش می‌شود و هر ساحت خود مشتمل بر پرسش‌هایی است که مجموعه شبکه عظیم معرفتی حوزه ادبیات داستانی را شکل می‌دهند.

از این رو، برای نیل به هندسه معرفتی ادبیات داستانی انقلاب، شناخت اجمالی وضعیت ادبیات داستانی انقلاب در طول سی و اندی سال ضروری است. ترسیم هندسه معرفتی در طی هفت مرحله محقق می‌شود:

۱. درک اجمالی فی الجمله: درک فی الجمله‌ای از وضعیت ادبیات داستانی معاصر، به اینکه موانع و مسائلی در این حوزه وجود دارد و اینکه دوره جدیدی در ادبیات داستانی معاصر با پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت و در طی آن، جریانی جدید در حوزه داستانی قوت یافت که ژرف ساخت آن متأثر از نگاه دینی و آرمان‌های انقلابی بود.

۲. شناخت تفصیلی غیر سازمند: درک و شمارش مسائل ادبیات داستانی به نحو جزئی. بدین نحو که مسائل ناظر بر موارد مشخص، خارجی و عینی در نظر گرفته شوند. اما نحوه جایگیری این مسائل در ضمن کلیات و ترتیب آنها از هم نامشخص است.

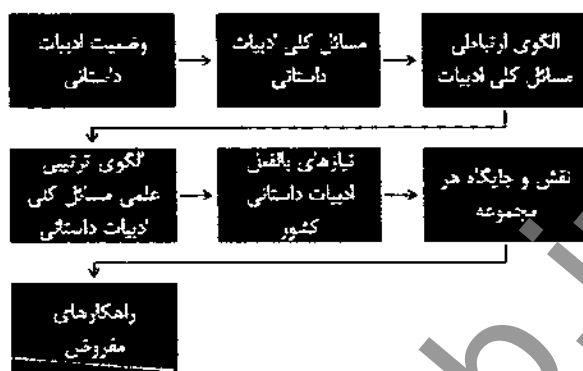
۳. تنويع جزئیات و ترسیم کلیات: در این مرحله مسائل جزئی با توجه به موضوعات مشترک، نوع بندی شده، در ذیل محور های کلی قرار می گیرند.

۴. ترسیم الگوی ارتباطی کلیات ادبیات داستانی: محوره‌های کلی به حسب معرفتی که نسبت به ادبیات داستانی به دست می‌دهند ساختار کلی هتدسه معرفتی را تعریف می‌نمایند.

۵. ترسیم الگوی ترتیبی کلیات: در این مرحله، بر اساس تقدم مبائی و مبادی، بر فرضیه ها و فروع، کلیات ناظر بر این امور، اصول درختواره معرفتی را شکل می‌دهند.

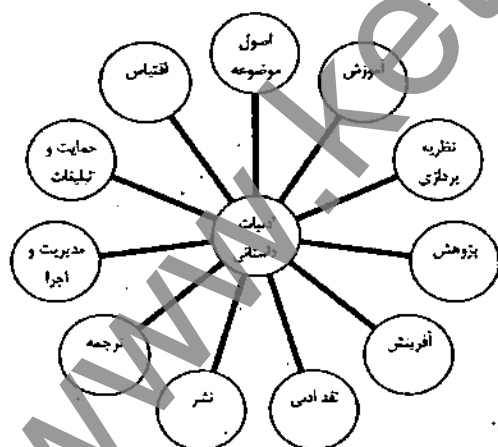
۶. شناسایی مبادی مضاف ادبیات داستانی: این مبادی به مثابه اصول موضوعه ادبیات داستانی انقلاب خواهند بود. در این مرحله، نقاط تماس مسائل ادبیات داستانی با فرضیه‌های مستخرج از دیگر علوم انسانی مشخص خواهد شد.

۷. بازشناسی معارف محقق از معارف متوقع.



وجوه اساسی حوزه ادبیات داستانی

۱. اصول موضوعه.
۲. آموزش.
۳. نظریه پردازی.
۴. پژوهش.
۵. آفرینش.
۶. نقد ادبی.
۷. نشر.
۸. ترجمه.
۹. مدیریت و اجرا.
۱۰. جذب و ساماندهی.
۱۱. حمایت و تبلیغ.
۱۲. اقتباس.



کرانه‌های معرفتی داستان:

با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش درباره آثار تولید شده در حوزه ادبیات داستانی انقلاب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهشهایی که در حوزه

مضاف داستان بتوانند سؤالات خود را بخصوص در حوزه مبادی و مبانی داستان از آثار نوشته شده کشف نمایند.



۱- اصول موضوعه:

۱-۱ تعریف: اصول موضوعه یا مصادرات، قضایایی هستند که بدیهی نبوده، نیاز به اثبات دارند. این قضایا در آن علمی که به اثباتشان پرداخته می‌شود جزو مسائل آن علم محسوب می‌شوند. ولی در علم دیگری که صدق این قضایا را مسلم گرفته، مسائل خود را با اتکای بر آنها اثبات می‌نماید، اصول موضوعه یا مصادرات محسوب می‌شوند.

۱-۲ برخی مباحث های اصول موضوعه داستان:

- فقه
- اخلاق
- جامعه شناسی
- روان شناسی
- تاریخ
- فلسفه
- عرفان
- کلام
- سیاست
- الهیات
- معرفت شناسی

۱-۳ اصول موضوعه

حوزه های مضاف داستان:

- أ- انسان شناسی "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)

- ب- هستی شناسی "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- ت- فطرت شناسی "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- ث- معرفت شناسی "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- ج- خداشناسی "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- ح- اخلاق "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- خ- فقه "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- د- فلسفه "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)
- ذ- جامعه شناسی "داستان انقلاب" (روایت به معنای مطلق و روایت مشروط: رمان، داستان بلند، داستان کوتاه، خاطره)

۲- آموزش:

- ۲-۱- تعریف حوزه آموزش: مجموعه روشهایی که امور اکتسابی مربوط به داستان - اعم از تصورات ذهنی و ملکات نفسانی - و غیر اکتسابی به واسطه آن ایجاد می شود.
- امور اکتسابی: اموری که قابل انتقال از انسان دیگر به غیر وراثت است و تحت قواعد تعلیمی و تربیتی قرار می گیرد.

امور غیراکتسابی: اموری که به واسطه وراثت یا عوامل طبیعی یا به شیوه‌ای غیرارادی و اختیاری و تعلیمی در اختیار انسان قرار می‌گیرد.

امر اکتسابی تربیتی: اموری که نه با انتقال گزاره‌های علمی که به واسطه تمرین در ایجاد ملکه در فرد ثابت می‌شود.

امور اکتسابی تعلیمی: اموری که جنس نظری و تعلیمی داشته توسط گزاره‌های علمی منتقل می‌شوند.

۲-۲- اقسام آموزش



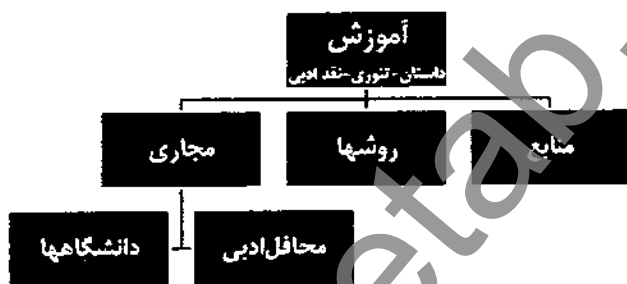
آموزش درباره داستان: آموزشی است که به داستان به صورت فی نفسه می‌پردازد و به عناصر داستان و شیوه‌های روایی تعلق گرفته است.

آموزش برای داستان: آموزشی است که متعلق آن، مستقیماً داستان و روایت نیست اما برای فهم و تفسیر داستان به کار می‌آید.

۲-۳- ارکان آموزش داستان:

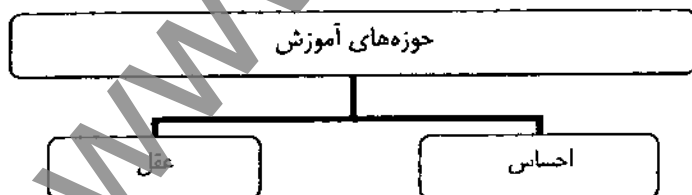
برای آموزش داستان، سه رکن فرض می‌شود:

منبع: تامین کننده دانش نظری است که با روشهای آموزشی انتقال داده می‌شود. این منبع ممکن است آثار تنویریک یا آثار نمونه داستانی باشند. روش: ناظر بر طریقه، ابزار، مدت و ترتیب علمی یا عملی ارائه مطالب است. مجری: مراکزی که در آنها منابع و روشها اعمال می‌شوند.



مسائل حوزه آموزش موشر از مسائل حوزه نظریه پردازی و پژوهش و مقدم بر مسائل حوزه آفرینش و نقد ادبی هستند.

۲-۴- حوزه های آموزش:



۲-۵- آموزش بر اساس مخاطب و هنرجو:

- نویسنده: در تمام اینها شأن نویسنده شانی هویت ساز است.

- انسان: شأن انسانی جدای از شأن نویسندگی است. چیزی در نویسنده به ظهور نمی‌رسد مگر به واسطه‌شان انسانی آن و نویسنده اساساً شأن مستقلی از شأن انسانی‌اش - حداقل در بخشهایی - ندارد.

داستان محصول اندیشه و احساس است بنابراین از جمله مسائل این بخش آن خواهد بود که کدام بخش از داستان قابل آموزش دهی است؟ آیا احساس نیز در هنرمند باید پرورانده شود؟ آیا این احساس در ضمن داستان نویسی پرورانده می‌شود و یا آنکه جریان پرورش احساس در هنرمند و دیگر انسانها یکسان است.

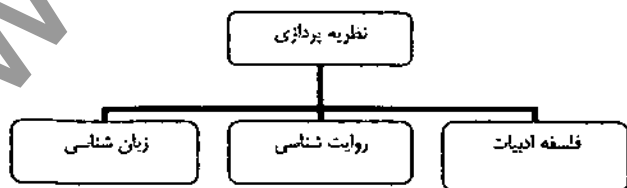
۳- نظریه پردازی:

۳-۱- تعریف: مجموعه مسائلی که به کلیت روایت داستانی، چپستی، امکان تصویری، امکات تصدیقی، چگونگی و ارکان آن مربوط است:

۳-۲- ساحت‌های نظریه پردازی:

نظریه پردازی به دو ساحت توجه دارد:

- ژرف ساخت روایت: مبانی
- روساخت روایت: سبک، طرح، داستان، احساس و عواطف



ساختاربنندی نظریه ادبی انقلاب اسلامی بر پایه ترکیب‌بندی بن مایه‌های فکری و اعتقادی آن از میان رویه تجربی موجود در نقدهای اثباتی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی محقق می‌شود.

ادبیات داستانی انقلاب درصدد کشف، ساختار بندی و بسط "نظریه ادبیات داستانی انقلاب" است. بدین معنی که مجموعه‌ای از اصول و مفروضات ی که به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در تفسیر متن به کار گرفته می شوند در ساختاری کلی منسجم شده و در هیئت مجموعه‌ای وحدتمند از دانش، چارچوب بندی می‌شوند.

گفتنی است چنین چارچوبی یا به صورت منسجم و منطقی یا به صورت تجربی و مهارتی بر نقد ادبی در طول عمر ادبیات داستانی پس از انقلاب تأثیر گذاشته است و منظرهای جدیدی را در بررسی آثار داستانی معرفی نموده است. زیرا هیچ نقدی را بدون نظریه و هیچ نظریه‌ای را بدون نقد نمی‌توان یافت. منظرهای برخاسته از نوعی جهان‌بینی، ساحت‌های وجودی خود را به اخلاق، ایدئولوژی، انسان‌شناسی، سیاست، جامعه و دیگر ساحت‌های وجودی بشر تفسیر داده است. ظهور چنین نظریه‌ای را می‌توان از تغییرات صورت گرفته در حوزه آفرینش و خوانش ادبیات داستانی مشاهده کرد.

ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی، مخاطبانی را با خود همراه ساخت که مخاطبان خاموش داستان و داستان خوانی در دوره معاصر بودند. این خوانندگان بر پایه آموزه‌های دینی، پیش از انقلاب، مخاطب جدی ادبیات داستانی محسوب نمی‌شدند. موانعی چون اخلاق‌گرایی، عقل‌مداری، جهان‌بینی و اعتقاد به ایدئولوژی و تقدس‌گرایی، آنها را از ادبیات سیه نویس، عریان نویس، هرزه نویس و تقدس زدا و سکولار جدا می‌ساخت. چنین مخاطبانی به نحو عام، خوانش جدیدی از ادبیات داستانی را رقم زدند و مجاری ویژه‌ای برای تفسیر ادبیات و ارتباط با آن معرفی نمودند. تحولات سیاسی، دیدگاه‌های

فکری و رخدادهای اجتماعی، بر ادبیات داستانی نیز تاثیر گذارد و رویکردهای متفاوتی را در ادبیات پدید آورد. چنین تغییراتی به تناوب، خاستگاه اصیل سیاسی و دینی انقلاب اسلامی را در آثار داستانی برجسته ساخته یا به محاق برد. ضمن آنکه، ادبیات داستانی در طول دوره حیات خود نتوانست همپای جریانهای سیاسی و شعارهای آرمانی و دیدگاه دینی پیش رود. این امر موجب شد، تفسیر داستان و ملاکهای ارزش گذاری آن در گسست ارزشهای مطلوب و امور محقق قرار گیرند. از این رو، بیش از آنکه این معیارها اکتشافی و استقرایی باشند، انتزاعی و ذهنی بودند. با این وجود، گستره و امکان تحقق ابعاد مختلف نظام خوانش و ارزش گذاری در تمامی جهات یکسان نبوده است. از آنجا که نقد ادبی بدون نظریه ادبی امکان حیات ندارد، ضروری است تا ساحت های نظریه ادبی در تجربه سی و اندی ساله آفرینش، خوانش و نقد آثار داستانی انقلاب اسلامی چارچوب بندی شود.

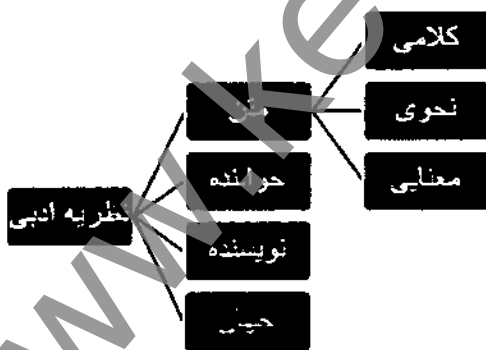
اصطلاح نقد به معنای کشف و ارزش گذاری بر عناصر بایسته آثار داستانی است. از این رو، نقد همواره عرضه ملاکهای قابل تحقق بر متن ادبی موجود است. نقد در تطبیق خود بر مصادیق، یا معیارها را در متن می یابد و یا این معیارها در متن مفقودند.

عموما جریان نقدهای سلبی (نوع دوم) در دوره پس از انقلاب بر نقد های اثباتی پیشی گرفته است. دلیل این امر را باید در تعریف و رسالت نقد در این دوره بررسی کرد. چرا که نقد، عموماً در جایی وارد میدان می شود که بیانهای فکری و اندیشه گی انقلاب و آرمانهای آن در آثار داستانی به نحوی معارض یا واژگونه نشان داده می شود. دلیل دیگر این امر را باید غلبه آثار داستانی دگر اندیش یا دگر باش دانست که بخصوص در دهه های ۷۰ و ۸۰ روندی رو به صعود داشتند. دلیل سوم این امر را باید ضرورت پرداخت نقد ادبی انقلاب اسلامی به آثار شاخص جریانهای شبه روشنفکر - چه پیش و چه پس از

انقلاب - دانست. نقد در این رویکرد، در صدد ترسیم خطوط مشخص بایدهای خود و تحدید حوزه ادبیات انقلاب اسلامی است که این تحدید با ترسیم وجه مانعیت آن در خروج برخی آثار از حوزه ادبیات داستانی انقلاب محقق می‌شود.

بنابراین، نقد سلبی نمی‌تواند محور اصلی استخراج نظریه بر پایه برداشتهای تجربی و غیر منسجم ادبی باشد. زیرا امکان تحقق معیارها در آثار داستانی شرط لازم ملاک‌مندی آنان است. و برای تحقق پذیر بودن این ملاکها نیازمند به آثار موجود و تحقیقی تحلیلی مقایسه‌ای در میان آنها خواهیم بود.

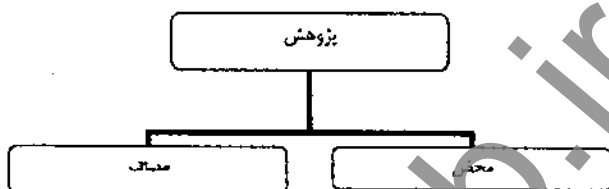
نظریه ادبی، بر حسب شرایط زمانی با سه محور اصلی "نویسنده"، "متن" و "مخاطب" شکل می‌گیرد.



۴- پژوهش:

۴-۱- تعریف: حوزه‌ای که فرضیه‌های علمی را در دو ساخت محض و مضاف دنبال میکند. پژوهش‌های محض به پژوهشهایی اطلاق می‌شود که متعلق خود را به صورت فی‌نفسه و فارغ از نسبت ترکیبیه‌اش با دیگر امور بررسی می‌کند. مانند پژوهش‌هایی که در حوزه داستان و عناصر آن فارغ از گونه یا ژانر یا عنصر محدود‌کننده خاصی صورت می‌گیرد.

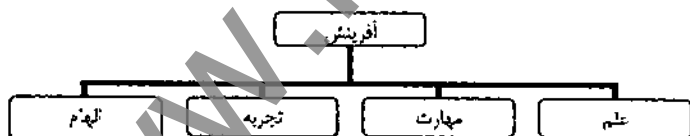
در نقطه مقابل، پژوهشهای مضاف به پژوهشهایی گفته می‌شود که نسبت ترکیبی و ارتباطی یک امر با امر دیگری را موضوع خود قرار می‌دهد. این نسبت جدید، امکان، شرایط و ویژگیها در این پژوهشها مد نظر قرار می‌گیرد.



۵- آفرینش:

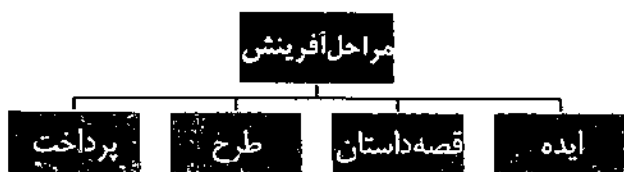
۵-۱- تعریف: مجموعه‌اموری که از مرحله شکل‌گیری ایده در ذهن نویسنده تا تکمیل آن موثرند.

۵-۲- ارکان آفرینشگری در ساحت داستان: علم، مهارت، تجربه، الهام.



۵-۳- مراحل آفرینش:

از آنجا که آفرینش در ضمن مراحل برای داستان‌نویس محقق می‌شود، بررسی موقعیت این محور نیازمند در نظر گرفتن تمامی این مراحل است:



- ایده: مقاله، خاطره، داستان، تاریخ، زندگینامه، گزارش، فیلمنامه، نمایشنامه.

- قصه داستان: داستان، خاطره، تاریخ، زندگینامه، گزارش، فیلمنامه، نمایشنامه.

- طرح: داستان، فیلمنامه، نمایشنامه.

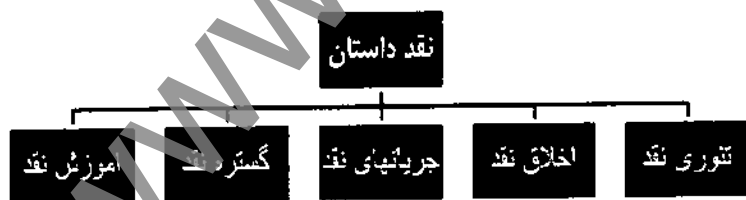
- پرداخت: داستان

۶- نقد

۶-۱ تعریف: فرآیندی ناظم بر استخراج مبانی و تطبیق آن با آثار داستانی که به تفسیر، تحلیل، معرفی و ارزش گذاری آن می‌انجامد.

۶-۲- ساحت‌های معرفتی نقد:

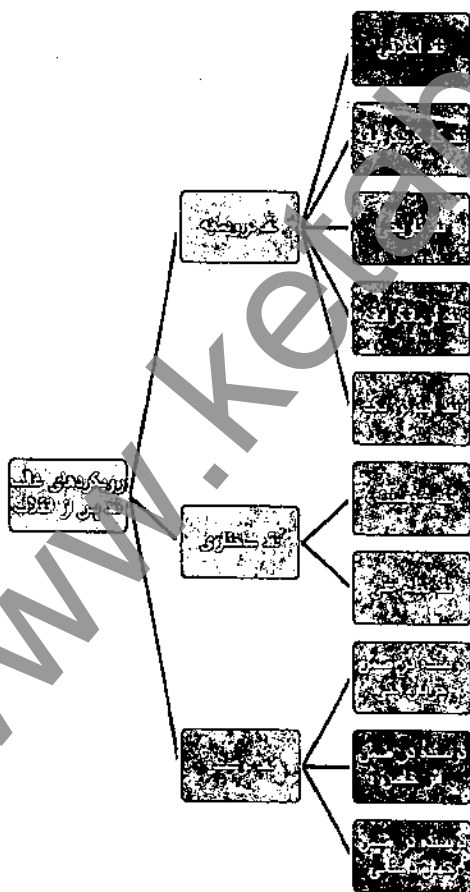
این گستره، نقد نقد را نیز که درصدد محک‌زدن مبانی و روشهای نقد است شامل می‌شود.



شاخه های پر
توجه

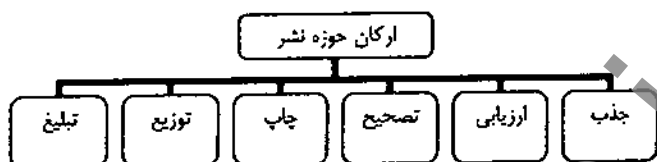
رویکردهای
اصلی نقد

نقد ادبی



۷- نشر:

تعریف: فرآیندی که طی آن، اثر از حوزه تک مخاطبی به حوزه عرضه به غیر پا می‌گذارد.



۸- ترجمه:

تعریف: مجموعه ظرفیت‌های داستانی ایجاد شده به واسطه ترجمه از زبان مبدا یا به زبان مقصد فارسی.

گفتنی است این قسم، قسیم حوزه ادبیات داستانی تالیفی است. بنابر این برخی اقسام دیگر این تقسیم‌بندی بازده قسمی داخل در این قسم هم بوده و عینا همانند بخش تالیف، در آن تکرار خواهند شد.

۹- مدیریت و اجرا:

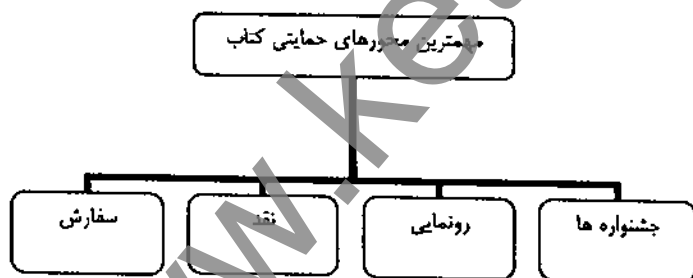
تعریف: مجموعه تصمیم‌سازی‌های صورت گرفته در حوزه ادبیات داستانی به نحو جمعی. چه این تصمیم‌سازی‌ها به سیاست‌گذاری منجر شود یا به کشف رهیافت و یا برنامه. ویژگی این قسم اجرایی بودن آن است. همچنین تفاوتی نمی‌کند گستره شمول تصمیمات در حوزه ای اندک مانند یک سازمان یا انجمن و یا کل کشور و نهادهای دولتی و جریانه‌های ادبی فراگیر باشد.

ارتباط این مجموعه‌ها با هم نیز محور این بخش خواهد بود.



۱۰- حمایت و تبلیغ:

تعریف: مجموعه عوامل خارجی که فرایند شکل‌گیری یا عرضه داستان یا شرایط حرفه‌ای نویسنده را ارتقا می‌بخشد.



۱۱. اقتباس:

تعریف: فرایندی که در آن داستان یا یکی از ارکان آن در مedium دیگری روایت می‌شود و بالعکس.